

تحلیل محتوای نقدهای معماری نشریات معماری ایران از ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی*

دکتر ایمان رئیسی**؛ دکتر عبدالهادی دانشپور***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۸/۹

چکیده

موضوع پژوهش، تبیین تاثیر نقد بر ادبیات معماری معاصر ایران است. پژوهش با سئوال "تاثیر نقد در ادبیات معماری معاصر ایران چیست؟" آغاز گردید. فرضیه ی پژوهش عبارت است از "نقد تاثیر کمی در ادبیات معماری معاصر ایران داشته است". پژوهش با رویکرد تفسیری، به صورت بنیادی، با استدلال استنتاجی مبتنی بر اجرای تجربی، با محوریت نظریه پیش از پژوهش، با آزمون نظریه متغیرهای کیفی، با روش تحلیلی، با رویه ی پژوهش اسنادی و تحلیل محتوا در مقطعی از زمان انجام گرفته است. متغیرها در این پژوهش ناشناخته و قابل اندازه گیری کیفی است و به صورت پژوهش تجربی انجام می شود. داده ها از بررسی متون منتشر شده بین سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ به دست آمده و با توجه به آمار و نتایج استخراج شده از نشریات تخصصی معماری معاصر ایران، تحلیل فرضیه نشان می دهد نقد تاثیر کمی در جهت دهی معماری معاصر ایران داشته است.

واژه های کلیدی

نقد، معماری معاصر، تحلیل محتوا، نشریات معماری ایران

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری ایمان رئیسی است که با عنوان "نقش نقد در جهت دهی معماری معاصر ایران" به راهنمایی دکتر عبدالهادی دانشپور و مشاوره ی دکتر غلامرضا اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (تیرماه ۱۳۸۷) ارائه شده است.
** دانش آموخته ی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: raeisi@qiau.ac.ir
*** عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی؛ دانشگاه علم و صنعت ایران. Email: daneshpour@iust.ac.ir

مقدمه

مشخص کردن معرف ها یا نشانه ها، تهیه ی پرسش نامه ی معکوس است (ساروخانی، ۱۳۷۸، ۲۸۵).

در این پژوهش داده ها از مقالات منتشر شده در نشریات تخصصی برداشت می شود و این آثار به عنوان متن در نظر گرفته می شود و با استفاده از ابزار تحلیل محتوا جنبه های مختلف این داده ها استخراج خواهد شد.

پیشینه ی تمقیق

در تاریخ معماری معاصر، معماران و منتقدان در امر نقادی تلاش کرده اند، به گونه ای که می توان ظهور مکتب ها و سبک های مختلف در معماری معاصر را نتیجه ی نقادی منتقدان از سبک های پیشین دانست. بعنوان نمونه لوکوربوزیه با کتاب "به سوی یک معماری" ضمن نقد معماری کلاسیک، به ترسیم معیار های معماری مدرن پرداخت. رابرت ونتوری هم در کتاب "پیچیدگی و تضاد در معماری" ضمن نقد اصول معماری مدرن، به ترسیم معیار های معماری پست مدرن پرداخته است.

از طرفی نقد معماری از مباحثی است که در ادبیات معماری معاصر ایران کمتر به آن توجه شده است و به نظر می رسد که تاکنون تحقیقات جدی در این حوزه انجام نشده است. نه تنها مطالعه و تحقیق متمرکز درباره ی مبانی نقد معماری کمتر انجام شده است، بلکه در عرصه ی عملی هم، اشتغال به کار نقد و تحلیل آثار معماری گسترش نیافته است.

ضمناً در تحقیقی که در مورد جایگاه نقد معماری در روزنامه های امریکا صورت گرفته، آمده است: "در میان تقریباً ۱۴۰ روزنامه با تیراژ ۷۵۰۰۰۰، کمتر از ۴۵ روزنامه منتقد معماری دارند و فقط یک سوم آن روزنامه نگاران، نقد معماری را به صورت تمام وقت دنبال می کنند." (Szanto, 2001, 7) بنابراین اشتغال به کار نقد معماری در امریکا هم بصورت گسترده ای رایج نیست.

در معماری معاصر ایران هم نقد و نقادی جایگاه قابل توجهی ندارد و بجز چند مقاله و دو رساله دکتری، نمی توان به منابع دیگری اشاره کرد. تعدادی از نقدهای معماری معاصر ایران توسط منوچهر مزینی، کامران افشار نادری و علی اکبر صارمی ارائه شده است و یکی از رساله های دکترای معماری که به مبحث نقد معماری پرداخته است، رساله حمیدرضا خوبی است که با عنوان "نقد و شبه نقد" در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه تهران نوشته شده است و رساله ی دیگر هم متعلق به نگارندگان این مقاله است. بنابراین به نظر می رسد تحقیق در حوزه نقد معماری از جمله مسائل مهم و ضروری در فضای حاکم بر جامعه معماری امروز ایران است.

نقد به مفهوم کلی آن، نوعی فعالیت انسانی است که حوزه ی کاربردی گسترده ای دارد. موضوع نقد شامل کلیه ی کارهایی است که انسان ها انجام می دهند یا کلیه ی چیزهایی است که می سازند. "نقد جزء لاینفک همه ی فرهنگ های بشری است. برخی از مهمترین موضوعاتی که نقد با آنها سر و کار دارد عبارتند از: ابزار (ساخته های دست بشر که هر یک کاربرد خاصی دارد)، اعمال (کارهایی که از منظری اخلاقی قضاوت می شوند)، قضایا (اظهار نظرهایی درباره ی صحت و درستی چیزی)، و اجرای حرکات ورزشی یا آثار هنری که در آنها مهارت های معمولی مانند دویدن، آواز خواندن و داستان تعریف کردن به مراتب پیچیده تر از وسائلی هستند که در زندگی روزمره استفاده می کنیم." (گات، ۱۳۸۴، ۲۳۹)

اگر نقد در جامعه حضور نداشته باشد، ارزش واقعی آثار هنری مشخص نمی شود. چنانچه روند تحولات هنری در هر زمان بررسی نشود، به تدریج ادب و هنر گرفتار وقفه و رکود می شود و در پیچ و خم کوره راه تقلید فرو می ماند. بنابراین توجه به نقد و اهمیت دادن به آن در جامعه، باعث رشد انسانهای آن جامعه- هنرمندان و مخاطبان آثار- می شود. از این منظر، توجه به نقد در معماری به عنوان یک هنر چند بعدی- هنری، فنی، فرهنگی، اجتماعی و کاربردی- یکی از ضروریات هر جامعه به حساب می آید.

روش تمقیق

در این تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده می شود. تعاریف مختلفی از تحلیل محتوا ارائه شده است: روشی پژوهشی برای تشریح عینی، منظم، و مقداری محتوای آشکار ارتباطات (متمدنژاد، ۱۳۵۶)؛ هر روشی که در راه استنتاج منظم و عینی ویژگی های خاص یک متن استفاده شود (دورژه، ۱۳۶۲)؛ تحلیل محتوا به عنوان یک روش، شناخت و متبلور کردن محورها یا خطوط اصلی یک متن است که تحلیلی وصفی را بدست می دهد که منجر به شناخت و معرفت می شود (ساروخانی، ۱۳۷۸، ۲۸۰).

به طور کلی این ابزار تحلیل علی را امکان پذیر می کند و پیوستگی ها یا همبستگی ها را روشن می کند یا در سطح هم تغییری عمل می کند. در تحلیل محتوا علل و عوامل موثر در بیان نظری مشخص می شوند، امکان استخراج سبک تولید کننده ی متن فراهم می شود، امکان تهیه مدل های عملیاتی برای اهداف خاص وجود دارد (ساروخانی، ۱۳۷۸، ۲۸۳-۲۸۱). روند کلی در تحلیل محتوا شامل تحدید موضوع، تعیین جامعه ی آماری، نهایی سازی فرضیه ها و تبدیل آن ها به مضمون ها،

بدنه

شدند که عبارتند از: ۱. آرشیتکت(۱۳۲۵) ۲. معماری نوین(۱۳۴۰) ۳. هنر و معماری(۱۳۴۸) ۴. معماری و شهرسازی(۱۳۶۷) ۵. صفه(۱۳۶۹) ۶. هنرهای زیبا(۱۳۷۴) ۷. آبادی(۱۳۷۵) ۸. معمار(۱۳۷۷) ۹. رواق(۱۳۷۷) ۱۰. معماری و فرهنگ(۱۳۷۸) ۱۱. معماری ایران(۱۳۷۹). سپس کلیه شماره‌های نشریات مذکور (۲۴۰ شماره) - در محدوده‌ی زمانی تعریف شده- مورد مطالعه قرار گرفته و مقالاتی که در حوزه‌ی نقد معماری معاصر ایران قرار داشتند، انتخاب شدند. پس از بررسی و تحلیل محتوای مقالات مذکور نتایج زیر بدست آمده است:

بیشترین تعداد نقد در فصلنامه‌های «معمار» و «هنرهای زیبا» و کمترین تعداد نقد در فصلنامه‌های «معماری ایران»، «معماری نوین» و «معماری و فرهنگ» منتشر شده است و با توجه به تعداد کل شماره‌های منتشر شده، فصلنامه‌ی «معماری و شهرسازی» کمترین تعداد نقد معماری را داشته است. فراوانی مقالات نقد معماری معاصر ایران در جدول ۱ ارائه شده است.

از نظر پراکنش زمانی، در مجموعه مقالات مورد مطالعه، بیشترین تعداد مقالات نقد معماری در دهه ۷۰ (۵۲ مقاله) و کمترین تعداد آن در دهه ۶۰ (۰ مقاله) نوشته شده است که به نظر می‌رسد یکی از دلایل این کمبود وجود شرایط بحرانی جنگ در ایران بوده است.

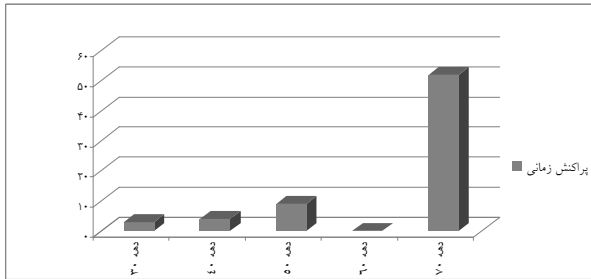
فرضیه‌ی مطرح شده در این پژوهش عبارت است از: به نظر می‌رسد که نقد در شکل‌گیری معماری معاصر ایران نقش کمی داشته است و حضور کم رنگ نقد در جامعه‌ی معماری معاصر ایران باعث پایین آمدن کیفیت آثار معماری شده است.

واحد‌های تحلیل شامل مقالات منتشر شده است که مورد مطالعه و تحلیل محتوا قرار می‌گیرند و جمعیت نمونه شمول پژوهش در زمینه‌ی مقالات منتشره در مجلات معماری ایران از ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی است. در رابطه با فرضیه‌ی فوق، داده‌ها به صورت کیفی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تحلیل‌های انجام شده در این مقاله بطور عمده استفاده از آمار توصیفی است که شامل سنجش فراوانی و فراوانی نسبی و نمودارهای مرتبط است که برای توصیف و تحلیل کلیت داده‌ها به کار گرفته شده است. و با توجه به معیارها و شاخص‌هایی که به آن اشاره شد، به ارزیابی آن شاخص‌ها در بدنه‌ی فرضیه خواهیم پرداخت.

در انتخاب مقالات جهت پژوهش، ابتدا فهرستی از کلیه‌ی نشریات معماری معاصر ایران که از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۰ خورشیدی منتشر شده‌اند، تهیه شد. سپس از میان آنها، ۱۱ نشریه جهت تحلیل انتخاب

جدول ۱. فراوانی مقالات نقد معماری ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

مجله	نسبت	درصد
آبادی	هفت / سی و پنج	۲۰٪
آرشیتکت	سه / شش	۵۰٪
رواق	صفر / پنج	۰
صفه	صفر / سی و سه	۰
معمار	یازده / پانزده	۷۳/۴٪
معماری ایران	دو / شش	۳۳/۳٪
معماری نوین	دو / هفت	۲۸٪
معماری و شهرسازی	هشت / شصت و سه	۱۲/۷٪
معماری و فرهنگ	دو / یازده	۲/۱۸٪
هنر و معماری	ده / چهل و هشت	۲۰/۸٪
هنرهای زیبا	هفت / ده	۷۰٪



شکل ۱. پراکنش زمانی مقالات نقد معماری ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

از مجموع ۱۱ نشریه ای که مورد تحلیل قرار گرفته است، بیشترین تعداد نقد معماری در فصلنامه «معمار» با ۱۶ مورد و کمترین تعداد نقد معماری در فصلنامه‌ی «معماری نوین» و «معماری ایران» با ۲ مورد بدست آمده است. ضمناً نشریات صفه و رواق مقاله‌ای با مضمون نقد معماری معاصر ایران منتشر نکرده‌اند، لذا از این پس در تحلیل‌ها نقشی ندارند.

جدول ۲. تعداد نقدها در هر شماره از نشریات منتخب ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

نوع نقد	تعداد نقدها در هر شماره از نشریات منتخب										
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
آبادی	تعداد نقد	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۱	۱
	شماره‌ی مجله	۱۴	۱۶	۱۷	۲۳	۲۵	۲۳	۲۴ و ۲۵			
آرشیفتک	تعداد نقد	۱	۱	۱							
	شماره‌ی مجله	۱	۲	۴							
رواق	تعداد نقد	۰									
	شماره‌ی مجله										
صفه	تعداد نقد	۰									
	شماره‌ی مجله										
معمار	تعداد نقد	۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
	شماره‌ی مجله	۱	۳	۴	۵	۶	۷	۱۰	۱۱	۱۳	۱۴ و ۱۵
معماری ایران	تعداد نقد	۱									
	شماره‌ی مجله	۵	۳ و ۴								
معماری نوین	تعداد نقد	۱									
	شماره‌ی مجله	۱	۳								
معماری و شهرسازی	تعداد نقد	۱	۱	۱	۱	۴	۱	۱	۱	۱	۱
	شماره‌ی مجله	۲۴	۲۸ و ۲۹	۳۶ و ۳۷	۴۸ و ۴۹	۵۰ و ۵۱	۵۴ و ۵۵	۶۰ و ۶۱	۶۲ و ۶۳		
معماری و فرهنگ	تعداد نقد	۵	۲								
	شماره‌ی مجله	۷	۹								
هنر و معماری	تعداد نقد	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
	شماره‌ی مجله	۱	۳ و ۴	۸	۹	۱۵ و ۱۶	۲۹ و ۳۰	۳۱ و ۳۲	۳۵ و ۳۶	۴۵ و ۴۶	۴۷ و ۴۸
هنرهای زیبا	تعداد نقد	۱	۲	۱	۱	۲					
	شماره‌ی مجله	۱	۲	۳	۴ و ۵	۷					

انواع نقد

چندانی ندارد. بلکه آنچه در این نوع نقد مهم به نظر می رسد، این است که محیط طراحی شده از دیدگاه ویژه ای توسط مخاطب درک شود. نقد توصیفی، به تشریح کلامی پدیده های فیزیکی پرداخته و از ویژگی ها و اتفاقات خاص زندگی طراح حکایت می کند و همچنین در مورد رویدادهای تاریخی تاثیر گذار بر روند طراحی، ساخت و اجرای اثر معماری بحث می کند و به تفصیل، به بررسی روند طراحی می پردازد. نقد توصیفی گاه به صورت نقد زمینه ای و گاه به صورت نقد زندگینامه ای ظهور یافته و گاه نیز به شرح روند به وجود آمدن اثر و به تصویر کشیدن اثر معماری می پردازد. (اتو، ۱۳۸۴، ۴۷)

با توجه به دسته بندی وین اتو که در بالا به آن اشاره شد، مقالات منتخب از نظر نوع نقد معماری مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

با استفاده از تمامی اصول طبقه بندی که در ارتباط با نقد مورد بررسی قرار گرفت، تحقیق حاضر با استفاده از کتاب "معماری و اندیشه ی نقادانه"، ده روش به کار رفته برای نقد معماری را که در سه گروه اصلی نقد معیاری، نقد تفسیری و نقد توصیفی قرار می گیرد، مورد مطالعه قرار داده است. "نقد معیاری، نقدی است که بر پایه یک اصل، قانون، نظام، گونه یا اندازه خاصی استوار است. این نقد بر معیاری از پیش تعیین شده برای قضاوت در مورد اثر هنری، پایه ریزی شده است. این معیار معمولاً بدون توجه به اثر هنری از قبل تجویز شده و بر پایه آن سنجش و ارزیابی هر اثر هنری امکانپذیر خواهد بود .

نقد تفسیری، در ذات خود ممکن است برانگیزاننده احساسات، خاطره انگیز یا تدافعی باشد. در نقد تفسیری، اینکه یک محیط طراحی شده با یک سری معیارهای از پیش تعیین شده مطابقت دارد یا نه، جایگاه

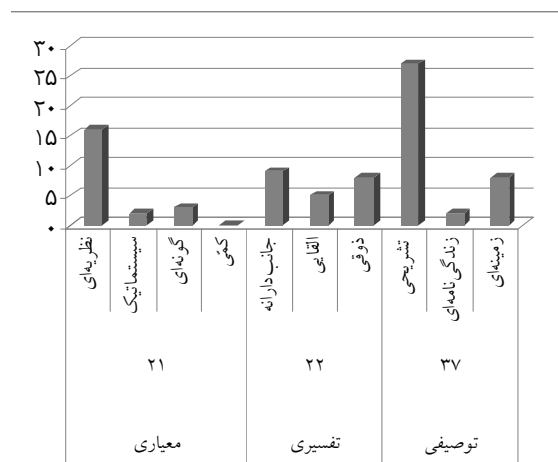
جدول ۳. تعداد هریک از انواع نقد در هر نشریه مآخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

	نقد توصیفی			نقد تفسیری			نقد معیاری			
	زمینه ای	زندگی نامه ای	تشریحی	ذوقی	القایی	جانب دارانه	کمی	گونه ای	سیستماتیک	نظریه ای
آبادی			۱			۱				۳
		۱	-	-	۱	-	-	۲	۱	-
آرشیبتکت										
معمار			۱۳			۶				۵
	۱	-	۱۲	۲	-	۴	-	-	-	۵
معماری ایران			۰			۱				۱
	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	۱
معماری نوین										
معماری و شهرسازی			۹			۳				۲
	۳	۱	۵	۲	۱	-	-	-	-	۲
معماری و فرهنگ			۱۱			۰				۲
	۴	-	۷	-	-	-	-	۱	۱	-
هنر و معماری			۱			۶				۶
	-	-	۱	۲	۲	۲	-	-	-	۶
هنرهای زیبا			۲			۵				۲
			۲	۲		۳				۲

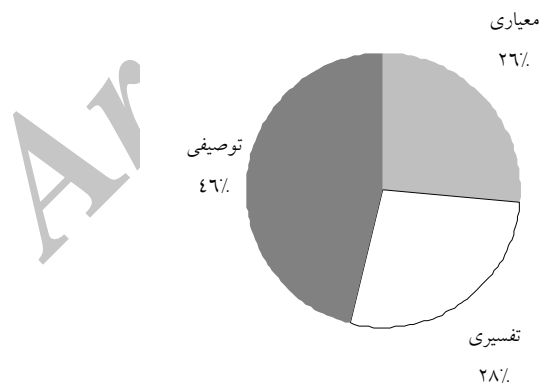
فراوانی انواع نقد معماری در کلیه نشریات هم به شرح زیر است:

جدول ۴. فراوانی هریک از انواع نقد در کل نشریات - ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

توصیفی		تفسیری				معیاری			
						۲۱			
زمینه‌ای	زندگی‌نامه‌ای	تشریحی	ذوقی	القایی	جانب‌دارانه	کمی	گونه‌ای	سیستماتیک	نظریه‌ای
۸	۲	۲۷	۸	۵	۹	۰	۳	۲	۱۶



شکل ۲. فراوانی انواع نقد معماری در کلیه نشریات - ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷



شکل ۳. فراوانی انواع نقد معماری در کلیه نشریات - ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

هم فصلنامه‌ی «معماری و شهرسازی» داشته است. در مجموع ۴۶٪ نقد توصیفی، ۲۸٪ نقد تفسیری و ۲۶٪ نقد هنجاری استفاده شده است. و این بدین معنی است که نقد توصیفی نقش زیادی در ادبیات معماری معاصر ایران دارد.

با توجه به شکل ۲، مشاهده می‌شود که «نقد تشریحی» با ۲۷ مورد در بالا ترین رتبه قرار گرفته است. کمترین نوع نقد به کار رفته هم «نقد زندگی‌نامه‌ای» است که یک مورد ثبت شده است. همچنین از نوع «نقد کمی» هیچ مقاله‌ای مشاهده نشده است. متنوع‌ترین نوع نقدها را

چارچوب نظری

نتیجه گیری

در اثر تحلیل مقالاتی که در حوزه ی نقد معماری معاصر ایران قرار دارند، نتایج زیر بدست آمده است:

- فراوانی مقالاتی که در در ۲۴۰ شماره از ۱۱ نشریه تخصصی معماری به نقد معماری معاصر ایران اختصاص داشت، حدود ۳٪ می باشد و این آمار کمی نشان دهنده ی حضور جدی نقد در معماری معاصر ایران نیست.
- بیش از ۷۵٪ از مقالات نقد معماری در دهه هفتاد خورشیدی انتشار

"پایه ی معرفتی و مبانی نظری هر حرفه ای نیاز به یک ساختار اولیه ی قوی دارد. در حال حاضر، اساس مبانی نظری معماری بر دیدگاه های افراد معمار یا مکاتب فکری معماری استوار است. این مبانی بر هنرمند بودن معمار و بر باورهای فردی معماران در مورد معماری خوب تاکید دارند." (لنگ، ۱۳۸۴، ۱۳)

• در بررسی چارچوب نظری به کار رفته در مقالات، رویکردهای متنوعی مشاهده شده است که بالاترین فراوانی به سنت گرایان اختصاص یافته است.

جدول ۵. فراوانی چارچوب نظری در هر نشریه - ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

نشانه شناسی	مفهوم گرای	کیفیت فرا سرزمینی	بی زمانی	سنت گرای	هرمنوتیک	محیط گرای	مطابقه گرای	رابطه ی سنت و مدرنیته	مدرنیسم	رویکرد اجتماعی	ارائه نشده	
											۸	آبادی
									۱	۱	۱	آرشیستک
										۱	۲۰	معمار
۱											۱	معماری ایران
									۱		۱	معماری نوین
	۱	۱	۱	۲	۱						۶	معماری و شهرسازی
											۶	معماری و فرهنگ
	۲	۲	۲	۲		۱	۳	۱	۱	۲	۵	هنر و معماری
۴	۴	۴	۴	۴			۲				۳	هنرهای زیبا

جدول ۶. فراوانی چارچوب نظری در کل نشریات - ماخذ: رئیسی، ۱۳۸۷

نشانه شناسی	مفهوم گرای	کیفیت فرا سرزمینی	بی زمانی	سنت گرای	هرمنوتیک	محیط گرای	مطابقه گرای	رابطه ی سنت و مدرنیته	مدرنیسم	رویکرد اجتماعی	ارائه نشده
۶	۷	۷	۷	۸	۱	۱	۵	۴	۲	۴	۵۱

۱۳۸۳ تا اردیبهشت ۱۳۸۷، بصورت ماهانه در خانه هنرمندان ایران برگزار شده است. برای مطالعه ی بخشی از گزارش این مجموعه جلسات مراجعه کنید به: رئیسی، ایمان - معرفی و نقد معماری امروز ایران؛ پنج تجربه - مجموعه مقالات سومین همایش سالانه جامعه مهندسان معمار ایران - مهر ماه ۱۳۸۳، ص. ۳۴ و رئیسی، ایمان - نگاهی به بیست و چهار جلسه ی "معرفی و نقد معماری امروز ایران"، فصلنامه ی نامه معماران ایران، شماره ۲۰۱، تابستان ۱۳۸۶ ص. ۸۷-۸۰

۲. به عنوان نمونه می توان به "جایزه بزرگ معمار" و انتشار مباحث داوری آن، مجموعه جلسات "معرفی و نقد معماری امروز ایران"، کارگاه های «فهم و نقد آثار معماری» و جلسات «مرکز رشد معماری و ساختمان» اشاره نمود. همچنین بالا رفتن تعداد نشریات تخصصی معماری و پیشرفت قابل توجه وبلاگ های معماری، می تواند نوید بخش این تحول باشد.

فهرست مراجع

۱. اتو، وین، (۱۳۸۴)، "معماری و اندیشه ی نقادانه"، ترجمه امینه انجم شعاع، نشر فرهنگستان هنر، تهران.
۲. خویی، حمید رضا، (۱۳۷۹)، "مقدماتی در باب نقد آثار معماری"، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۰-۶۱ اسفند، صص ۷۷-۷۴.
۳. دوورژه، موريس، (۱۳۶۲)، "روش های علوم اجتماعی"، ترجمه خسرو اسدی، نشر امیرکبیر، تهران.
۴. رئیسی، ایمان، (۱۳۸۷)، "نقش نقد در جهت دهی معماری معاصر ایران"، رساله دکترای معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، منتشر نشده.
۵. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، "روش های تحقیق در علوم اجتماعی"، دو جلدی، نشر سمت، تهران.
۶. گات، بریس و دومینیک مک آیور لویس، (۱۳۸۴)، "دانشنامه ی زیبایی شناسی"، ترجمه ی گروه مترجمان، ویراسته ی مشیت علایی، نشر فرهنگستان هنر، تهران.
۷. لنگ، جان، (۱۳۸۳)، "آفرینش نظریه ی معماری"، ترجمه علیرضا عینی فر، نشر دانشگاه تهران، تهران.
۸. معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۵۶)، "روش تحقیق در محتوای مطبوعات"، نشر دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی؛ تهران.

9. Szanto, Andras; Fredricksen, (2001) "Eric; Rinaldi, Ray", The Architecture Critic, A Survey of Newspaper Architecture Critics in America; Colombia University; USA

یافته اند و با توجه به سیر صعودی آمار از دهه سی تا امروز - به استثنای دهه ی شصت که ایران دچار مقوله ی جنگ بود- می توان امیدوار بود که در دهه های آینده نقد نقش پررنگ تری در معماری معاصر ایران داشته باشد.^۲

• با دقت در جدول نام نویسندگان مقالات، این فرضیه که «در ایران تعداد منتقدان حرفه ای معماری بسیار محدود است»، تایید می شود. لذا یکی از دستاورد های این فرضیه، تایید اشتغال به کار نقد تعداد محدودی معمار، به نقد حرفه ای است و به نظر می رسد چنانچه عده ای بطور متمرکز به مقوله ی نقد معماری بپردازند، می توان امیدوار بود که در آن صورت کیفیت آثار معماری ایران هم بالاتر رود.

• با توجه به دسته بندی وین اتو در مورد انواع نقد معماری - معیاری، تفسیری و توصیفی - و با توجه به نگاره ۳، مشخص شد که ۴۶٪ از نقد های تحلیل شده در حوزه ی نقد توصیفی قرار گرفته اند. همچنین با در نظر گرفتن دیدگاه وین اتو در مورد اهمیت نقد توصیفی و تغییر دیدگاه منتقدان نسبت به مقوله ی نقد در دهه های اخیر، به نظر می رسد که آمار بدست آمده حکایت از توجه منتقدان معماری به نقش شناختی نقد و کم رنگ شدن نقش ارزیابی نقاط ضعف در نقد است.

• با توجه به فراوانی چارچوب های نظری و عدم ارائه ی چارچوب نظری در بیش از ۷۵٪ نقد ها، می توان نتیجه گرفت که در زمینه مباحث نظریه معماری دچار ضعف هستیم و احتمالاً یکی از دلایل پایین بودن کیفیت معماری معاصر ایران، عدم آشنایی معماران و منتقدان معماری با حوزه های نظریه معماری است. ضمناً اختصاص درصد نسبتاً بالایی در چارچوب های نظری به رویکرد «سنت گرایی» نشانگر اهمیت مقوله ی پیچیده ی سنت در دیدگاه منتقدان است.

• در مجموع و با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه، می توان نتیجه گرفت که نقد نقش کمی در ارزیابی معماری معاصر ایران داشته است و حضور کم رنگ نقد در نشریات معماری ایران، باعث پایین آمدن کیفیت آثار معماری شده است.

پی نوشت ها

۱. نگارنده با آگاهی از این معضل، مجموعه جلسات "معرفی و نقد معماری امروز ایران" را در ۳۰ جلسه برنامه ریزی و اجرا کرده است. این مجموعه جلسات به همت انجمن فرهنگی جامعه مهندسان معمار ایران از اردیبهشت